



کتاب آهنگ SONG BOOK

برای هنرجویان پیانو

۳



گردآوری، تنظیم و اجرا: شهرام خوش صفت

PIANO SONG BOOK 2

کتاب آهنگ برای پیانو

گلچینی از بهترین قطعات ایران و جهان برای پیانو

(Pre Intermediate Level)

GRADE 3 & 4

گردآوری، توضیحات و اجرا: شهرام خوش صفت

عنوان کتاب: کتاب آهنگ برای پیانو ۲

گردآوری و اجرا: شهرام خوش صفت

تعداد صفحات: ۱۲۷

صفحه آرایی و طرح روی جلد: مینا یزدی

لیتوگرافی و چاپ: انتشارات شبنم دانش

ناظر فنی چاپ: بهزاد مردانی

مرکز بخش: کتاب موسیقی آذر

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: دوم - ۱۳۹۳ - تهران

قیمت به همراه سی

شابم: ۹۷۹-۰۰-۸۰۲۶۲۰-۲۵-۴

توجه: هر گونه برداشت، کپی و تکثیر این کتاب و فایل‌های صوتی اجرا شده، به هر شکل، ممنوع بوده و فقط با اجازه کتبی از مؤلف مجاز می باشد.

فهرست:

۶۷ جاده‌ی ابریشم	۲ فهرست
۶۹ Baroque round	۳ تاریخچه‌ی پیانو
۷۰ Etude No.25	۷ نکاتی قبل از آغاز نواختن
۷۴ Spring shadow	۱۲ Nocturne
۷۶ Wedding of love	۱۴ Menuet
۷۸ A time for us	۱۵ Ecosaise
۸۰ Strangers in the night	۱۶ Spanish melody
۸۲ Secret Garden	۱۸ The godfather
۸۴ گلِ گلدون	۲۰ Green sleeves
۸۸ سرِ اومد زمستون	۲۲ گلایه‌ی موج
۹۱ آهنگ پنج ضربی	۲۴ ملودی یونانی
۹۲ درنه جان	۲۶ Neapolitan Song
۹۳ Minuet in A	۲۸ میشل استروگف
۹۴ Fur Elise	۳۰ بویر احمدی
۹۶ Romance in G (Sonatine)	۳۱ دای بلال
۹۸ Moments	۳۲ رنگ ماهور(۱)
۱۰۰ برای فرشته	۳۳ رنگ ماهور(۲)
۱۰۲ وطن	۳۵ خوابهای طلایی
۱۰۵ الهه‌ی ناز	۳۸ غوغای ستارگان
۱۰۹ عاشق شدم من	۴۲ کالسه
۱۱۲ وقتی میای...	۴۴ عقرب زلف کج
۱۱۵ دل تنها	۴۶ تولدت مبارک
۱۱۷ چه سبک بود پاییز	۴۹ Soft Love
۱۲۰ Love Story	۵۱ Beauty and the beast
۱۲۳ نغمه‌ی لارا	۵۴ Solenzara, Italian Melody
۱۲۵ Nostalgia Waltz	۵۷ Romance
	۵۹ Wiegenlied
	۶۱ Meadow Lands
	۶۲ پیش درآمد اصفهان
	۶۵ مرغ سحر

تاریخچه پیانو

برای اینکه بدانیم چرا پیانو اختراع شد، باید نگاهی گذرا به آنچه قبل از پیانو وجود داشت بیندازیم. قبل از ساخت پیانو به شکل امروزی، سازهایی مانند کلاویکورد و هارپسیکورد وجود داشتند که از نظر شکل و مکانیزم تقریباً به شکل پیانوهای امروزی بودند، اما اشکالاتی داشتند که مهم‌ترین آن عدم توانایی در اجرای نُت‌هایی با قدرت کم و زیاد (داینامیکس) بود. نوازنده با هر قدرتی که می‌نواخت، یک صدا با اندازه‌ی ثابت تولید می‌شد و کنترل دقیقی در تولید صدا نداشت. (البته کلاویکورد تا حدی می‌توانست داینامیکس را تغییر دهد، اما صدایش آنقدر ضعیف بود که به درد سالن‌های بزرگ اجرا نمی‌خورد. صدای هارپسیکورد به اندازه‌ی



یک کلاویکورد متعلق به قرن هفدهم میلادی

کافی قوی بود، اما بسیار یکنواخت بود و نوازنده هیچ کنترلی بر داینامیکس نداشت.) تا اینکه یک نجار و سازنده‌ی توانای هارپسیکورد به نام *بارتلمئو کریستوفری* (Bartolommeo Christoferi) (1655-1731) در ایتالیا که عاشق پرنسس توسکانی، خانم *بدیچی* بود، در حدود سال ۱۷۰۰ میلادی، به دستور او سازی را ساخت که هم می‌توانست صداهای قوی و هم ضعیف را تولید کند. به همین جهت به نام *پیانو* - *فُرتِه* (Piano - Forte) مشهور شد: یعنی سازی که هم ضعیف و هم قوی می‌نوازد. ما نمی‌دانیم که

سرانجام آن عشق چه شد و به ما هم ربطی ندارد، اما آنچه از او باقی ماند، اولین پیانو به شکل امروزی بود که هنوز هم در موزه‌ی ایتالیا نگهداری می‌شود. البته بعداً کریستوفری دو پیانوی دیگر نیز ساخت که خیلی بهتر از پیانوی اولی بودند. ایده‌ی کریستوفری برای ساخت پیانو خیلی ساده بود: چکشی به سیم برخورد می‌کند، اما روی آن نمی‌ماند، چون صدا را خفه یا *Damp* می‌کند. چکش دوباره سر جای خود بر می‌گردد و حال، چکش دیگری از جنس نمد، از زیر از ادامه‌ی صدا جلوگیری می‌کند. به این ترتیب، هم مشکل قدرت ضربه‌ها یا داینامیکس حل شد و هم صدای ممتد سیم‌ها، گوش آزار نبود و این یک تحول شگرف در صنعت پیانو بود. بعداً یک سازنده‌ی ارگ به نام *گاتفرید*



پیانوی کریستوفری که در موزه‌ی آن در شهر رم نگهداری می‌شود

سیلبرمن (Gottfried Silberman «پدال دمپر» (پدال راست در پیانوهای امروزی) را به پیانوی کریستوفری افزود. به این ترتیب، نوازنده هر گاه دلش می‌خواست، با گرفتن این پدال، می‌توانست صدا را به صورت ممتد و کشیده و با برداشتن پا از روی آن صدا را به صورت معمولی و کوتاه تولید کند. سیلبرمن در سال ۱۷۳۳ این پیانو را به *یوهان سباستین باخ* نشان داد، اما باخ در آن زمان از این پیانو استقبال نکرد و اشکالاتی از آن گرفت. سیلبرمن نا امید نشد و آنقدر روی پیانو کار کرد تا اینکه در سال ۱۷۴۷ پیانوی او توسط باخ تایید شد. (دقت کنید! ۱۴ سال برای رفع

اشکالات پیانو کار کرد.) در واقع این سال را باید نقطه‌ی آغاز پیانو به مفهوم واقعی‌اش بدانیم و نباید از خدمات ارزنده‌ی سیلبرمن در تکامل پیانو بی‌تفاوت گذشت. اما همچنان پیانو، پیانو نبود!

تا سال ۱۷۷۰، پیانو‌هایی که ساخته می‌شد تفاوت عمده‌ای از نظر شکل ظاهری با هارپسیکورد نداشتند و صدای آنها نیز خیلی بهتر از هارپسیکورد نبود، بلکه همانطور که گفتیم، تنها می‌توانستند صدای بهتری از نقطه نظر داینامیکس ایجاد کنند. سازندگان پیانو، همچنان به دید یک هارپسیکورد پیشرفته به آن نگاه می‌کردند و خریداران زیادی نداشتند. فقط از طبقه‌ی اشراف، آن هم به تعداد محدودی سفارش گرفته می‌شد و در این بین خیلی از این سازها آنقدر بی‌کیفیت و بدصدا بودند که تنها به عنوان دکور اتاق و پُر و اشرافی‌گری از آنها استفاده می‌شد! از سال ۱۷۷۰ میلادی به بعد، روند رو به رشدی در تکنیک‌های ساخت پیانو با کیفیت بهتری مشاهده می‌شود. از این سال به بعد، قدرت و ظرافت صدا در پیانو مورد توجه قرار گرفت و با تغییر شکل شستی‌ها، آکشن (سیستم مکانیکی تولید صدا) و ساخت سیم‌ها با کیفیتی بالاتر، پیانو تبدیل به سریع‌ترین ساز موسیقی شد. به این معنی که نوازنده می‌توانست نت‌های خیلی کوتاه را با سرعت اجرا کند. به منظور تولید صدای قوی‌تر و شفاف‌تر، رشته سیم‌ها روی یک قاب فلزی محکم نصب شدند و کاملاً کشیده و تحت فشار قرار گرفتند. از نظر شکل ظاهری هم بیشتر این پیانو‌ها، شستی‌های سیاه و سفیدشان برعکس پیانوهای امروزی بود. (پیانوی موتسارت نیز این شکلی بود.) صدای هر نت را دو سیم موازی کنار هم تولید می‌کرد. وسعت صدای پیانو بیش از پنج اکتاو نبود و صدای آن با آنچه ما امروز می‌شنویم و انتظار داریم کاملاً فرق داشت. اگر به سایت ویکی‌پدیا مراجعه و کلمه‌ی *پیانو* را وارد کنید، می‌توانید مختصری از این تغییرات و تفاوت‌ها را روی صدای پیانو به صورت فایل صوتی بشنوید. (مطمئن هستم اگر قرار بود پیانوهای امروزی مثل پیانوهای قرن هجدهم صدا بدهند، شما به هیچ وجه پولی برای خرید آنها پرداخت نمی‌کردید!) بین سالهای ۱۷۹۰ تا ۱۸۶۰ هر قدر تعداد نوازندگان این ساز بیشتر می‌شد، توقع نوازنده و شنونده از این ساز بالاتر می‌رفت. با شروع انقلاب صنعتی در اروپا و ساخت سیم‌های فلزی با کیفیت مطلوب، چهار چوب ریخته‌گری شده‌ی فلزی و گوشی‌های ظریف و دقیق، ساخت صفحه‌ی تقویت صدا یا *رزوناتور*^۱، افزایش تعداد سیم‌های تولید کننده‌ی صدا برای هر نت، تکنیک پیچش سیم به دور یک سیم مرکزی، افزایش وسعت صوتی این ساز از پنج اکتاو در زمان موتسارت به بیش از هفت اکتاو، (به همین دلیل است که شما در قطعاتی که در دوران کلاسیک اول نوشته شده وسعت بیش از پنج اکتاو را نمی‌بینید.) پیشرفت صنعت درودگری و ساخت قاب‌های چوبی بسیار زیبا با رنگ‌های متنوع و زیبا، کم‌کم پیانو خود را به عنوان یک ساز کاملاً مستقل نشان داد. پیانو راه خود را در تاریخ پیدا کرده بود.

در حدود سالهای ۱۸۲۰ در فرانسه، جایی که *فرانتس لیست* و *شوپن* مشغول خلق آثار زیبایی برای پیانو بودند، تحول دیگری در صنعت ساخت پیانو پدید آمد. شخصی به نام *سباستین ارارد*^۲، سیستم فرار دوبله^۳ را مطرح و اجرا کرد. این سیستم، باعث می‌شد تا نوازنده بتواند نت‌ها را به صورت مکرر و بی‌وقفه با سرعت بالا روی پیانو اجرا کند، یعنی دیگر لازم نبود تا نوازنده انگشت خود را کاملاً بالا بیاورد تا اجازه دهد چکش سر جای خود برگردد. این تحول، خود عامل تحول دیگری در ساخت و اجرای قطعات برای پیانو بود که کاملاً عصر رمانتیک را از کلاسیک جدا کرد. این سیستم هنوز هم به همان شکل در پیانوهای گرنده^۴ وجود دارد. در سال ۱۸۴۴ نیز پدال *سُستینوتو*^۵ ابداع شد که نوازنده می‌توانست با آن افکت‌های صوتی جالبی به وجود آورد، به این شکل که در حالی که بخشی از نت‌ها مرتعش بودند، بخش دیگر به شکل معمولی صدا می‌دادند. سپس پدال دیگری به نام *تک سیم یا یوناگُردا*^۶ نیز برای خفیف کردن صدا ساخته شد.

در سال ۱۸۵۱ نمایشگاه بزرگی در لندن، پیانوهای ساخته شده در ده کشور را در معرض دید عموم قرار داد. انگلستان، فرانسه، آلمان، بلژیک، ایالات متحده، اتریش، سوییس، کانادا، روسیه و دانمارک، محصولات خود را در این نمایشگاه عرضه کردند. البته جای نام‌های بزرگی مانند *مانند بوزندورفر*^۷ و *پلیل*^۸ و البته *اشتینوی Steinway* در آن خالی بود، اما همین نمایشگاه که

^۱ Resonator

^۲ Sebastian Erard

^۳ Double Escapement Action

^۴ Grand Piano

^۵ Sostenuto Pedal

^۶ Una Corda Pedal

^۷ Boesendorfer

^۸ Pleyel

اولین نمایشگاه پیانو بود، رقابت شدیدی را بین سازندگان پیانو ایجاد کرد و یک فضای عالی برای تبادل اطلاعات را فراهم ساخت، طوری که در نمایشگاه سال ۱۸۷۳ در وین، تعداد شرکت کنندگان چندین برابر شد و کمپانی‌های جدیدی پا به عرصه‌ی ظهور گذاشتند.

در این بین، ارارد فرانسوی یکه تاز میدان بود و در نمایشگاه سال ۱۸۷۸ فرانسه یکی از پیانوهای خود را با مبلغ هنگفت ۴۰۰۰ دلار (دلار آن سالها!) فروخت. او با تغییراتی که در صفحه‌ی تقویت کننده یا رزوناتور پیانوی خود پدید آورده بود توانست بین پیانیست‌های بزرگ آن روزگار برای خود اعتبار بی نظیری کسب کند. اما این موفقیت زیاد طول نکشید.

نابغه ای به نام اشتینوی:

در فوریه‌ی سال ۱۷۹۷، هنری انگلهدارد/اشتینوی^۹ (به انگلیسی استینوی) در ولفشاگن آلمان به دنیا آمد. او کوچکترین عضو یک خانواده‌ی چهارده نفری بود. در پانزده سالگی نان آور خانواده بود و در هجده سالگی به عنوان سرباز در جنگ واترلو شرکت کرد. سپس به عنوان کارگر در یک کارگاه تولیدی کابینت آشپزخانه کار می‌کرد. در همان سال‌ها نوازندگی ارگ را شروع کرد و خیلی زود به پیانو علاقمند شد و با تلاش پیگیر و مشاهده و آزمون و خطا، اولین پیانوی خود را در سال ۱۸۱۶ ساخت. (این پیانو



همچنان در آشپزخانه‌ی منزل قدیمی متعلق به اشتینوی‌ها نگهداری می‌شود.) سه سال بعد موفق شد یک پیانوی گرند و دو پیانوی دیواری را برای فروش روانه‌ی بازار پیانو کند و با پول آن توانست زندگی نسبتاً خوبی برای خود و خانواده‌ی پنج نفری خود فراهم کند. پس از انقلاب سال ۱۸۴۸، پس از پدر و برادر خود روانه‌ی نیویورک شد، چون جامعه‌ی از هم گسیخته‌ی آلمان را برنمی‌تافت. هنری از فرصت‌های به دست آمده به خوبی استفاده کرد و جامعه‌ی رو به رشد و با روحیه‌ی آمریکا به او کمک کرد تا تبدیل به یکی از سازندگان موفق پیانو در آمریکا شود. جامعه‌ی آمریکا در آن سالها تشنه‌ی ایده‌های جدید بود و هر

فکر جدید بلافاصله از تخیل به واقعیت تبدیل می‌شد. هنری و خانواده‌اش برای رسیدن به هدف خود در سال ۱۸۵۴ کمپانی هنری/اشتینوی و پسران Henry Steinway and Sons را تاسیس کردند و در طول سه سال، هزار پیانو ساختند و فروختند و حسابی پولدار شدند. آنها نه تنها خودشان به ثروت رسیدند بلکه تعداد زیادی از کارگران آلمانی را که به آمریکا مهاجرت کرده بودند به کار گماشتند و زندگی آنها را نیز متحول کردند. اشتینوی علاوه بر تلاش برای ساخت پیانوهای با سننوریت‌های دلپذیرتر، تمرکز خود را بر تمام عواملی که یک پیانو را به یک پیانوی عالی تبدیل می‌کرد گذاشت: او پیانوی قدرتمندی ساخت تا صدایش بتواند سالن‌های چند هزار نفری را پوشش دهد (در آن زمان هنوز آمپلی فایر اختراع نشده بود) و بتواند یک ارکستر صد نفری و یک گروه کر پنجاه نفری را به راحتی همراهی کند. او به شکل ظاهری پیانو پرداخت و آن را از شکل قبلی خود که بسیار ساده و بی روح و خسته کننده بود، به شکلی زیبا و اشرافی درآورد. او در ساخت پیانوهایش، با تغییراتی در نحوه‌ی ساخت و عملکرد قطعات و همچنین مواد مصرفی، موفق شد پیانویی را بسازد که در تمام شرایط آب و هوایی کارایی داشته باشد. (در همین سال‌ها تالبرگ^{۱۰} کنسرت‌های دور اروپا را با پیانوی ارارد برگزار می‌کرد و به شدت از آسیب‌هایی که تغییرات دما به پیانویش وارد می‌کرد ناخشنود بود.) به طور کلی از عوامل موفقیت اشتینوی و پسرانش، قرار گرفتن در زمان و مکان درست، صداقت و تلاش صادقانه و

^۹ Heinrich Engelhard Steinway

^{۱۰} Talburg

دقت به تمام جزئیات را می توان ذکر کرد. به این شکل که اگر شما هم اکنون با یک پیانوی اشتینوی ساخت سال ۱۸۹۰ بنوازید، به همان اندازه خشنود خواهید شد که با آخرین مدل یک پیانوی اشتینوی مدل ۲۰۱۳ می نوازید. اما پیانوهای دیگر حداکثر چهل یا پنجاه سال کارایی دارند و پس از آن باید آن را در گوشه‌ای اتاق پذیرایی خود به عنوان دکور استفاده کنید. اشتینوی و پسران، نامی است که در دنیای پیانو یک استثنا به شمار می رود و هیچ نام دیگری توان و یارای عرض اندام در مقابل آن را ندارد. موفقیت اشتینوی، موفقیت بسیاری از نوازندگان پیانو را نیز به دنبال داشت.

در بین سالهای ۱۸۷۲ تا ۱۸۷۳، آنتون روبینشتاین، پیانیست مکتب روس، برای اجرای برنامه‌هایش به آمریکا سفر کرد و به خاطر توانایی بی نظیرش در اجرا و نوازندگی با پیانوی بی نظیری مانند اشتینوی، آنقدر مورد استقبال قرار گرفت که ۲۱۵ کنسرت برگزار کرد و برای هر کنسرتش ۲۰۰ دلار به طلا دریافت کرد. موفقیتی که حتی برای پادروسکی^{۱۱} که به هیچ وجه در حد و اندازه‌ی روبینشتاین نبود نیز، به خاطر وجود پیانویی به نام اشتینوی به دست آمد. فرانتس لیست^{۱۲} و واگنر^{۱۳}، دو اعجوبه‌ی موسیقی



آن دوران، که به دوران طلایی رمانس معروف شد، با اشتینوی نواختند و هر دو کیفیت، قدرت، حساسیت و شفافیت صدای آن را ستودند. در همین زمان، لیست برای اولین بار از پدال سُستینوتو، در یکی از قطعات برلیوز، استفاده کرد. به این ترتیب که در حالی که نت‌های قسمتی با پدال سمت راست مرتعش بودند، بخش دیگر با پدال سُستینوتو، با کیفیتی کاملاً متفاوت به اجرا می آمد. واگنر نیز درباره‌ی این پیانو نظر جالبی داشت: «من از هنر نقاشی، ادبیات و معماری چیزی نمی دانم ولی از هنگامی که با این پیانوهای جدید آشنا شدم، متوجه شدم از موسیقی هم چیزی نمی دانم. درست در لحظه‌ای که فکر می کردم به درجه‌ی استادی رسیده ام، این پیانو، دنیای جدیدی را پیش رویم گشود!»

امروزه پیانوهای اشتینوی بدون شک عالی ترین و مرغوب ترین انواع پیانوها به شمار می روند و قیمت‌هایی از حدود ۳۵۰۰۰ دلار تا بیش از ۲ میلیون دلار دارند! این پیانوها در ابعاد مختلف به شکل دیواری یا Upright، مینی گرند Mini Grand، گرند Grand و کنسرت گرند (آمپریال) Concert Grand ساخته می شوند.

بدون شک اختراع پیانو تغییرات شگرفی را در موسیقی پدید آورد. این تغییرات آنقدر بزرگ بود که پیانو به تنهایی طلایه دار سبک‌های جدیدی در موسیقی شد و از نظر اقتصادی نیز انقلابی عظیم در صنعت ساخت ادوات موسیقی پدید آمد. پیشرفت در ساخت پیانو، نیاز به تکنولوژی، دستگاه‌ها و مواد جدیدی داشت که خود نیازمند یک تحول عظیم در شیوه‌ی مدیریت تولید انبوه کارخانه‌ها بود و امروزه نیز ساخت و تولید پیانو برای هر کشوری یک افتخار بزرگ محسوب می شود. (کاش در ایران به جای کارخانه‌ی تولید اتوموبیل پراید، کارخانه‌ی تولید پیانو داشتیم که سالی فقط پنج تا پیانوی درست و حسابی می ساخت!) اکنون صنعت ساخت پیانو در اختیار ژاپنی‌هاست، اما در سال‌های اخیر کره‌ی جنوبی هم رقیب جدی برای ایالات متحده و ژاپن شده است. پیانوهای کره‌ای، خوش صدا و ارزان هستند و هم خدمات پس از فروش بسیار عالی دارند. چینی‌ها گرچه دنبال ساخت پیانوهای مرغوب نمی روند، اما با بازتولید برندهای مختلف پیانو، سالانه میلیونها دلار پول به جیب می زنند. انگلستان، فرانسه، سوییس، روسیه، اتریش، بلژیک و ایتالیا به برندهای پیانوی خود می بالند، اما قدرت رقابت با ژاپن، کره و چین را ندارند، چون نیروی کار

^{۱۱} Paderovski

^{۱۲} Franz Liszt

^{۱۳} Wagner

ارزان در اختیار ندارند. با این وجود، نوازندگان حرفه ای در کنسرت های جدی، به ندرت از برندهای چینی، گره ای و ژاپنی استفاده می کنند و شما نام پیانوهای Fazioli و Steinway, Boesendorfer, Bechstein Baldwin (بخوانید فاتیولی) را در این کنسرت ها می بینید. گره با بازساخت پیانوی Weber نیز سری از سرها درآورد و امروزه شما پیانوهای با این مارک را در کنسرت ها زیاد می بینید. برخی از این کارخانه ها، مانند کارخانه ی تولید پیانوی اشتینوی، آنقدر به کیفیت اهمیت می دهند که می توانند در ماه، فقط چهار یا پنج پیانو تولید کنند. زیرا بسیاری از قطعات متحرک پیانو، به صورت دستی ساخته و پرداخته می شوند و مدت زیادی را در صف کنترل کیفیت می مانند. شرکت Yamaha نیز با وجود اینکه می تواند خود را به عنوان یک قدرت بزرگ در این بازار مطرح کند، در دهه ی قبل، با فروش برند خود به چین، آنقدر پیانوهای بی کیفیت تولید کرد که از صف قدرتمندان پیانو بیرون رفت. این بلا به سر تمام برندهایی که در چین بازتولید می شوند نیز آمد.



لیست مهم ترین کمپانی های تولید کننده ی پیانو در جهان:

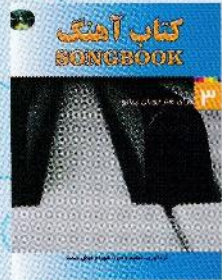
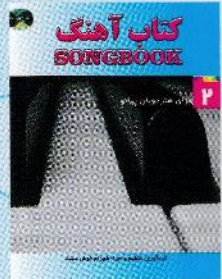
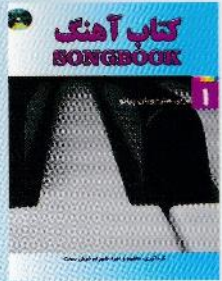
سال شروع فعالیت	مکان شرکت	نام شرکت سازنده
۱۸۶۸	ایالات متحده	American Piano Company
۱۹۹۳	چین	Armann
۱۸۰۳	آلمان	Alexander Hermann
۱۸۹۰	ایالات متحده	Baldwin
۱۸۵۹	سوئد	Baumgardt Piano
۱۸۵۳	آلمان	Bachstein
۱۹۳۵	بلاروس	Belarus
۱۸۲۸	اتریش	Boesendorfer
۱۷۸۳	انگلستان	Broad wood and sons
۱۸۱۱	انگلستان	Chappell Piano
۱۷۷۷	فرانسه	Erard
۱۸۷۸	ایتالیا	Fazioli
۱۸۸۸	ایالات متحده	Lester
۱۸۹۵	ایالات متحده	Ludwig
۲۰۱۰	ایالات متحده	Mamoth Piano
۱۸۵۴	ایالات متحده	Mason & Hamlin
۱۹۵۵	کازان	Nordheimer
۱۸۶۴	روسیه، لهستان، چک	Pefrof
۱۸۰۶	فرانسه	Petzold
۱۸۰۷	فرانسه	Pleyel
---	ایالات متحده	Robenstein
۱۸۸۵	آلمان	Schimmel
۱۹۴۸	ایالات متحده	Schultz & sons
۱۸۵۳	ایالات متحده - آلمان	Steinway & sons
۱۸۵۲	ایالات متحده	Weber(New York)
۱۸۱۸	اسکاتلند	Small wood
۱۹۵۶	کره ی جنوبی	Young Chang (Hyundai)
۱۸۸۷	ژاپن	Yamaha

کتاب آهنگ ۲ SONGBOOK

SONGBOOKS

کتابی که در پیشگاه شماست، منتخبی از قطعات پیانو، از سبک‌های مختلف برای هنرجویان پیانو می‌باشد. روند آموزش، تقریباً تدریجی و پله به پله است. قطعات، از ژانرهای مختلفی انتخاب و طبقه بندی شده اند. از کلاسیک گرفته تا پاپ و جاز و ایرانی و مدرن و حتی پست مدرن. توضیحاتی که برای برخی از درس‌ها آورده شده خوب ولی ناکافی است. معلم باید موارد تکنیکی را به طور مفصل برای هنرجو شرح دهد. برای اولین بار در این کتابها، به مواردی مانند امپروویزاسیون، آهنگسازی و بداهه نوازی پرداخته شده تا هنرجو بتواند خلاقانه ذهنش را در قالب موسیقی به تصویر بکشد. بنابراین، این کتاب‌ها می‌توانند به عنوان یک متد آموزشی نیر برای هنرآموزان عزیز مورد استفاده قرار گیرند. تمامی قطعات به صورت زنده و Real Time در استودیو ضبط شده و دارای کیفیتی مطلوب می‌باشند. همچنین اجرای پیانیست‌های بزرگی همچون «اشکنازی» و «برندل» نیز در فایل‌های صوتی گنجایده شده تا هنرجو یک نمونه‌ی عالی صوتی برای فراگیری مباحث تکنیکی داشته باشد.

شهرام خوش‌صفت



ISBN: 979-0-802620-25-4



9 790802 620254



ناشر: نشر چشمه دانش